

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

ششم اگست 2013

پروانه های حقیقت

نوری از روزنه دیدم، سحر آن سو بیضه گذاشته بود، قرص طلایی خورشید از پس کوههای بلند لهیب افراخته و سقف لاجوردین سپهر در شکوهی بی بدیل جلوه داشت. دریچه را گشودم و در زوایای باغ رویش سبز درختان همیشه بهار مرا به خود خواند، با اشتیاق بیشتر نگاه کردم و در سکوت باغ غرق شدم. صدای دل انگیز بالهای نسیم روان تازه ای برایم بخشید. حس کردم پر از نور شدم، پر از آزادی، لبریز از طعم خوشه های سبز انگور و مالمال از نوای دلنواز پرندگان. دریچه را رها کرده بسوی در رفتم تا سری به باغ بزنم و میان برگها رها شوم و در سایه فرحبخش درختان از طراوت گونه هایم باورمند گردم. صدائی حس تردید را در من رویاند. برگشتم، دوباره به سوی دریچه سر کشیدم و با حیرت نگریستم، از بیضه ای شکسته، زاغ سیاه شب پرگشوده بود و باغ لباس سوگواری به تن داشت. من در حسرت دیدار پروانه های حقیقت و رویش گلهای روشنائی از خود رها گشتم.

(ناهید "غزل" غنی زاده)